

اسلام‌هراسی در روسیه: تبیین جامعه‌شناختی ریشه‌ها و چالش‌ها

بهزاد مریدی^{۱*}

محمد سجاد کرمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۱۹

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی روند پیدایش و نفوذ اسلام‌هراسی در روسیه کنونی است؛ عاملی مؤثر که روسیه را از سایر کشورهای غربی در مواجهه با مسلمانان متمایز می‌سازد، ویژگی‌های تاریخی متفاوت و نقش ملی‌گرایی افراطی است که از رشد جمعیت مسلمانان در روسیه نگران است؛ این عامل با آنکه کم و بیش در کشورهای غربی نیز وجود دارد در روسیه ابعاد گسترده‌تر یافته و بدیهی است با وجود عوامل دیگر، ترس از اسلام و مسلمانان از نظر نژاد اسلاو جدی‌تر باشد؛ همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهند که عملکرد رسانه‌های غربی در معرفی اسلام به‌عنوان دین ترور و خشونت، بدویت و واپس‌گرایی را می‌توان در شکل‌گیری ذهنیت مردم روسیه نسبت به مسلمانان مؤثر دانست؛ همچنین بررسی تحولات اخیر در روسیه نشان می‌دهد، دولت روسیه با توجه به تجارب تاریخی تلاش می‌کند که روابط خود را با این اقلیت بزرگ دینی بهبود بخشد و این در حالی است که انجام حملات تروریستی و انتحاری مسلمانان افراطی در بروز ذهنیت ترس از اسلام در میان اقشار غیرمسلمان روسیه نقشی مهم ایفا می‌کند. در این مقاله ضمن بررسی وضعیت مسلمانان در روسیه براساس روش توصیفی - تحلیلی، ریشه‌ها و ابعاد مختلف پدیده اسلام‌هراسی در روسیه بررسی خواهد شد.

واژگان کلیدی: اسلام‌هراسی، تروریست، مسلمانان روسیه، بنیادگرایان اسلامی، فدراسیون روسیه.

*۱. استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی دانشگاه پیام نور. (نویسنده مسئول: behzadmoridi@yahoo.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات روسیه دانشگاه تهران

مقدمه

بررسی ادبیات نظری دربارهٔ اسلام‌هراسی و دلایل آن و همچنین بررسی پیامدهای آن برای مسلمانان در سرتاسر جهان، این واقعت را آشکار می‌کند که این پدیده، مانند بسیاری از پدیده‌های دیگر جهان مدرن، ابعادی پیچیده دارد. ادبیات تحقیقی این حوزه نشان می‌دهد، عواملی مانند نقش جهانی شدن رسانه‌ها و تلقی یکپارچه از جهان اسلام به‌خصوص پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، نقشی مؤثر در القای اسلام‌هراسی ایفا می‌کنند اما واقعت آن است که برخلاف کشورهای غربی، مسلمانان قرن‌هاست در روسیه زندگی می‌کنند و تاریخی پرفرازونشیب را در این منطقه پشت‌سر گذاشته‌اند؛ بنابراین حکومت‌های مختلف در این کشور به‌رغم تلاش برای یکپارچه‌سازی این کشور (فارغ از ادیان و قومیت‌های مختلف)، طی سده‌های گذشته، کارنامه‌ای متفاوت در مواجهه با مسلمانان از خود برجای گذاشته‌اند. مرور رسانه‌ها نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، کشور روسیه آبستن حوادثی بوده است که در بطن آن، ضدیت با اسلام به‌چشم می‌خورد. در سال جاری، گزارش‌هایی مختلف از پلیس روسیه منتشر شده است که نشانگر بی‌حرمتی به نمادها و سنت‌های مسلمانان روسیه است؛ برای نمونه در سال‌های اخیر، اقدام‌های تخریب‌گرانهٔ زیادی در خصوص قبرهای مسلمانان در «نیژنی نوگورود» مشاهده شده است. در بیستم آوریل ۲۰۱۱ افراد ناشناس، صلیب شکسته، نماد حزب نازی آلمان را روی قبر مسلمانان در قبرستان شهری دیگر رسم کرده بودند (اهانت به قبور مسلمانان در روسیه، ۱۳۹۰). همچنین گروه ملی‌گرایان روس در سال‌های اخیر در حرکتی با عنوان «مارش روسی» به راهپیمایی در شهرهای مختلف روسیه اقدام می‌کنند و در آن، مسلمانان مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند (توهین به مسلمانان در راهپیمایی ملی‌گرایان روس، ۱۳۹۰)؛ در موردی دیگر، نمازگزاران مسجد «آلتین» واقع در روستای «برزووسکی»، هنگامی که برای ادای نماز جمعه به این مسجد رفتند، با نوشته‌های نژادپرستانه و ضداسلامی بر دیوارهای مسجد مواجه شدند؛ روی دیوارهای این مسجد با خط درشت نوشته شده بود: «روسیه از آن روس‌هاست» (اهانت به مسلمانان در روسیه، ۱۳۹۰).

بدیهی است که اقدام‌های بالا، نشانهٔ دشمنی عاملان آن با دین اسلام و مسلمانان بوده است؛ این حادثه به دنبال سلسله وقایعی رخ داده است که طی چند سال اخیر، ضد مسلمانان روسیه و شمال قفقاز صورت گرفته‌اند؛ بنابراین به نظر می‌رسد اسلام‌هراسی، مسئله‌ای جدی برای آیندهٔ مسلمانان روسیه تلقی می‌شود.

الف - مطالعات پیشین

آلکسی مالاشنکو در مقاله‌ای با عنوان «احیای اسلام در دو دهه و پیامدها» به رشد پدیده اسلام‌هراسی در روسیه اشاره می‌کند (Малашенко, 2006:3). کاناخ در مقاله خود «اسلام‌هراسی پدیده سیاسی قرن ۲۱» گسترش اسلام‌هراسی در روسیه را نتیجه اقدام‌های سیاسی می‌داند که با مبارزات ضد قفقازی آغاز شده، در حال حاضر، رنگ اسلام‌هراسی به خود گرفته است؛ وی اشاره می‌کند که اسلام‌هراسی در روسیه به بیشترین حد خود بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی رسیده است؛ این پدیده با آغاز جنگ چچن، نیرویی تازه یافته و با هر حمله تروریستی منسوب به چچنی‌ها افزایش می‌یابد؛ به این ترتیب، مسلمانان هدف ترس و نفرت روس‌ها واقع می‌شوند. کاناخ، معرفی اسلام با تروریسم، بی‌رغبتی مسئولان برای به رسمیت شناختن برخی از دستوره‌های شریعت، انتقاد از جنبه‌هایی خاص از آموزه‌های اسلامی و اعمال مذهبی، تأمین‌نشدن خواسته‌های اجتماعات اسلامی و متهم کردن یکدیگر به وهابیت در منازعات مفتی‌ها را به عنوان علل اسلام‌هراسی در روسیه برمی‌شمارد (Канах, 2008:12). استانیچنکو در مقاله «اسلام، کلیسای ارتدوکس روسیه و دولت پس از کمونیسم»، جنگ چچن را در شکل‌گیری اسلام‌هراسی در جامعه روسیه تأثیرگذار می‌داند، وی معتقد است شبه‌نظامیان مسلمان به دشمن اصلی روسیه تبدیل شدند و پس از آن، اسلام به عنوان ویژگی نه‌تنها تروریست‌ها بلکه مهاجران از جنوب به حساب آمد. سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ نقطه اوج شکل‌گیری و تثبیت این کلیشه در ذهن روس‌ها است که با حملات تروریستی القاعده و رشد روند مهاجرت که به عنوان «مهاجرت مسلمانان» از آن یاد می‌شد، شدت یافت؛ به این ترتیب، تصویری کلیشه‌ای از اسلام در روسیه شکل گرفت که آن را با مفاهیمی مانند متجاوز و مهاجم، شبه‌نظامیان مذهبی، تجزیه‌طلب، تروریست، قاچاق مواد مخدر معرفی می‌کرد (Sotnichenko, 2009:7). پراز اوسکاس در مقاله «روسیه و اسلام» بیان می‌کند که جریان رشد اسلام‌هراسی در روسیه از تحول‌های داخلی و جهانی ناشی می‌شود. بسیاری از روس‌ها بر این باورند که تمام اقدام‌های تروریستی در سطح جهان، توسط مسلمانان و به دلایل به‌طور صرف، مذهبی صورت پذیرفته‌اند. چنانکه در مطالعات بالا مشاهده می‌شود دلایلی متعدد برای رشد اسلام‌هراسی در روسیه ارائه می‌شوند؛ از اقدام‌های سیاسی دولت در مواجهه با منطقه قفقاز گرفته تا مهاجرت مسلمانان و اقدام‌های تروریستی افراطیون وهابی و به نظر می‌رسد که هریک از این دلایل در جای خود قابل توجه است اما توضیحی کامل از وضعیت ارائه نمی‌کند؛ برای نمونه، نقش رسانه‌ها در به وجود آمدن احساس نفرت و ترس از

مسلمانان در این تحقیق‌ها چندان مورد توجه نبوده‌است درحالی‌که سه انفجار در سال ۱۳۸۹ در مترو روسیه و گرفتن انگشت اتهام به سمت مسلمانان این کشور از کانال شبکه‌های خبری، موجی تازه از اسلام‌ستیزی در این کشور را دامن‌زد (افخمی و نیک ملکی، ۱۳۸۸: ۹۲). به‌نظر می‌رسد که مطالعات انجام‌شده درخصوص اسلام‌هراسی در روسیه تا آنجا پیش‌رفته‌است که در شرایط کنونی می‌توان عوامل مختلف آن را به راحتی از یکدیگر تفکیک کرد. در این مقاله تلاش می‌شود که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، تصویری کامل از این پدیده در روسیه امروز ارائه شود.

ب- مبانی نظری و روش تحقیق

۱- مبانی نظری

اسلام‌هراسی، مفهومی است که به ترس، پیش‌داوری و تبعیض غیرعقلانی در قبال اسلام و مسلمانان اشاره دارد (Fredman, 2001: 121). سابقه استفاده از این اصطلاح به دهه ۱۹۸۰ م. بازمی‌گردد، اما این اصطلاح پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ م. رواجی بیشتر یافت؛ به بیان دیگر، اسلام‌هراسی عبارت است از بازنمایی منفی اسلام و مسلمانان از طریق کدگذاری آنان به مفاهیم کلی مانند «خشونت، ترور، بنیادگرایی، غیرتمدن‌بودن، غیرمدنی زیستن و همه عناصری که به‌نوعی ضد‌هنجارهای انسانی و به‌طور خاص، ضد‌هنجارهای غربی محسوب می‌شوند» (عاملی، ۱۳۸۶: ۵).

مؤسسه «رانیمد تراست» انگلستان که به امر تبعیض و نفرت در این کشور می‌پردازد، در سال ۱۹۹۷ م. اسلام‌هراسی را به‌عنوان ترس و نفرت از اسلام و بنابراین ترس و نفرت از تمامی مسلمانان تعریف کرد و همچنین بیان کرد که این اصطلاح بر تبعیض و طرد مسلمانان از زندگی اقتصادی، اجتماعی و عمومی کشور نیز دلالت دارد؛ اسلام‌هراسی همچنین دربردارنده این برداشت است که اسلام بدون ارزشی مشترک با دیگر فرهنگ‌هاست، در مقایسه با غرب در موقعیتی فرودست قرار دارد و بیش از اینکه دین باشد، یک ایدئولوژی سیاسی است. در ژانویه سال ۲۰۰۱ م. در مجمع بین‌المللی استکهلم برای مبارزه با عدم تساهل، اسلام‌هراسی در کنار بیگانه‌هراسی و آنتی‌سمیتیسم (یهودستیزی) به‌عنوان نوعی عدم تساهل پذیرفته شد. ریشه کلمه *islamophobia* از دو کلمه *islam* و کلمه *phobia* که به معنای ترس غیرمعقول از چیزی یا کسی است، تشکیل شده‌است. *phobia* دو کاربرد متفاوت دارد؛ در روان‌شناسی درخصوص افراد به معنای بیماری است ولی در زمینه اجتماعی به ضدیت با اقوام و ملیت‌ها که دلالتی سیاسی است، اشاره دارد (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۸: ۲۱).

آنه ماری شیمیل، شرق‌شناس و اسلام‌شناس بزرگ آلمانی، به‌صراحت اعلام‌می‌کند که: «از میان همهٔ ادیانی که مسیحیت با آنها مواجه بوده و به‌الزام سروکار داشته‌است، دین اسلام را از همه بیشتر مورد سوءتفاهم و در نتیجه حملهٔ شدید قرار داده‌است. برای مدت بیش از هزار سال چنین به‌نظرمی‌رسید که اسلام یکی از تهدیدهای عمده (اگر نگوئیم عمده‌ترین تهدید) برای مردم اروپاست؛ احساسی که به این باور منجر شده‌است که اسلام و معتقدان به این دین آسمانی، یعنی مسلمانان، سرسخت‌ترین دشمنان مسیحیت غربی هستند» (شیمیل، ۱۳۷۵: ۱۱).

بنا به گفتهٔ مالکوم براون و رابرت مایلز، اسلام‌هراسی گرچه به‌خودی‌خود نژادپرستی نیست، بسیار با نژادپرستی تعامل دارد (Miles & Brown, 2003: 163, 164). کتاب کار اجتماعی و اقلیت‌ها، چشم‌اندازهای اروپایی اسلام‌هراسی را به‌عنوان شکلی جدید از نژادپرستی در اروپا می‌داند و مدعی است که اسلام‌هراسی نیز همانند آنتی‌سمیسیزم در اروپا به‌صورت نژادپرستی و عدم تساهل درآمده‌است (Johnson, Soydan & Williams, 1998: 182).

شکلی دیگر از اسلام‌هراسی به‌صورت درهم‌آمیختن ملیت (برای نمونه، عرب)، دین (اسلام) و سیاست (تروریسم، بنیادگرایی و مانند اینها) است. براون و مایلز معتقدند که بسیاری از کلیشه‌هایی که در به‌وجود آمدن اسلام‌هراسی دخیل‌اند، در برداشتی خاص از اسلام ریشه‌دارند، مانند این برداشت که اسلام مروج تروریسم است (Miles & Brown, 2003: 166).

بن و جواد معتقدند که خصومت در قبال اسلام با نحوهٔ به‌تصویر کشیدن مسلمانان در رسانه‌ها به‌عنوان «بربر، غیرعقلانی و جنسیت‌گرا» پیوندی نزدیک دارد (Benn & Jawad, 2004: 17)؛ آگورا و تئودور نیز به نقل از برخی محققان اروپایی، چنین بیان‌می‌کنند که اصطلاح‌های به‌کاررفته در رسانه‌ها، مانند «تروریسم اسلامی، بمب‌های اسلامی و اسلام‌خشن» باعث برداشتی منفی در قبال اسلام شده‌اند (Egorova & Tudor, 2003: 2-3).

مؤسسهٔ رانمید تراست انگلستان، هشت برداشت در خصوص اسلام‌هراسی شناسایی کرده‌است:

- اول، تمدن اسلامی بلوکی یکپارچه، ایستا و بدون واکنش در مقابل تغییر است.
- دوم، تمدن اسلامی به‌عنوان دیگری مجزا و بدون ارزش‌های مشترک با دیگر فرهنگ‌هاست و از آنها تأثیر نمی‌پذیرد و بر آنها تأثیر نمی‌گذارد.
- سوم، تمدن اسلامی (بربر، وحشی، غیرتمدن، غیرعقلانی و جنسیت‌گرا) به‌عنوان تمدنی فرودست در مقابل تمدن غرب در نظر گرفته‌می‌شود.
- چهارم، تمدن اسلامی به‌عنوان تمدن‌خشن، ستیزه‌جو، تهدیدکننده و حامی تروریسم شناخته‌می‌شود.

- پنجم، از اسلام به‌عنوان ایدئولوژی سیاسی برای اهداف سیاسی و نظامی استفاده می‌شود.
- ششم، خصومت نسبت به اسلام به‌عنوان توجیهی برای رفتارهای تبعیض‌آمیز در قبال مسلمانان مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- هفتم، انتقادهای مسلمانان درخصوص غرب، انتقادهایی کهنه و منسوخ است.
- هشتم، خصومت ضد اسلام، امری عادی در نظر گرفته می‌شود (فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر هلسنکی، ۱۳۸۸: ۱۵ و ۱۶).

اما این برداشت‌ها چگونه شکل گرفتند و به چه دلیل گسترش یافتند؟ در این زمینه نظریه‌هایی متعدد وجود دارند که مهم‌ترین آنها نظریه است که هویت جهان غرب و بقای آن را در تمایزش با شرق و تمدن‌های دیگر می‌داند. روفین، نویسنده فرانسوی در کتاب امپراتوری و بربرهای جدید، اسلام‌هراسی را ناشی از تلاش غرب برای ساختن دشمنی جدید پس از فروپاشی اتحاد شوروی تلقی می‌کند؛ این دشمن‌تراشی از آن روست که غرب یا الیت حاکم بر آن، برای حفظ اتحاد و یکپارچگی تمدنی خود به چنین دشمنی نیاز دارد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۴: ۳). بیشتر نویسندگان قائل به طرح اسلام‌هراسی بر این باورند که غرب پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به دشمنی نیاز داشت که برای تمدن غربی، نقش یک «غیر یا دیگر» را ایفا کند و به دلایلی چند، اسلام و مسلمانان در چنین جایگاهی قرار گرفتند. وجود یک «غیر و دیگر» به انسجام و یکپارچگی تمدنی کمک می‌کند. از اساس، بسیاری از متفکران بر این باورند که هر گفتمان یا ایدئولوژی، تنها زمانی از پس ایفای کارکردهای خود برمی‌آید که غیریت‌سازی کرده‌باشد و مرزهای میان خود و «غیر» را آشکار ساخته‌باشد؛ به نظر این متفکران، بدون «غیریت‌سازی» هیچ گفتمانی به تفوق و سلطه و به عبارتی به هژمونی دست نمی‌یابد؛ غرب نیز برای اینکه هژمونی گفتمانی خود را پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی حفظ کند به یک غیر نیاز داشت که همانا «اسلام» بود. ادوارد سعید، متفکر مشهور عرب نیز دیدگاهی به‌نسبت مشابه دارد (سعید، ۱۳۷۹: ۴۸).

در اینجا اسلام به‌عنوان خطری برای مغرب زمین در نظر گرفته می‌شود و تنها راه ممکن برای رهایی از این وضعیت، «مدرن‌شدن» جوامع مسلمان خواهد بود. به اعتقاد سعید، اسلام در غرب به‌صورت سیاسی درآمده‌است. اسلام به بلاگردانی برای شکست‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سیاستمداران تبدیل شده‌است. سیاستمداران و صاحبان قدرت غربی همیشه در پی شکست خود، اسلام را مقصر می‌دانند و اسلام به شکل ابزار درآمده‌است؛ نه تنها در غرب بلکه در برخی از کشورهای اسلامی نیز وضع به همین منوال است. سعید نشان می‌دهد که چگونه کشورهای غربی درخصوص اسلام و

کشورهای اسلامی، موضعی پیشداورانه و سیاسی دارند و به مظاهر تمدن اسلام نظیر ادبیات، هنر و ... بی‌توجه‌اند و گروه‌هایی کوچک را که در بسیاری از مواقع، کارهای خلاف قانون و به‌عبارتی، تروریستی انجام می‌دهند، نمایندهٔ مسلمانان معرفی می‌کنند؛ این وضعیت در سال‌های پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نمودی روشن در انتخابات کشورهای غربی پیدا کرد و اکنون نیز با موج بحران‌های اقتصادی، مهاجران و به‌خصوص، مسلمانان آماج حملات همهٔ سیاستمداران و احزاب سیاسی قرار گرفته‌اند.

صالح نجف‌آبادی پس از اشاره به دیدگاه غالب در موضوع اسلام‌هراسی که آن را زائیدهٔ رسانه‌ها و نخبگان غربی برای دگرسازی از اسلام در برابر غرب می‌داند، اعتقاد دارد که در عین حال، برخی رفتارها و باورهای ناموجه در میان برخی مسلمانان یا علما که هیچ پایه‌ای در قرآن و سنت ندارد به شکل گرفتن این تصویر خشن و غیرانسانی از اسلام در رسانه‌ها و افکار عمومی غرب کمک کرده است. به نظر او، گفتمان اسلام‌هراسی، اکنون گفتمان هژمونیک در غرب است که به‌طور عمده، تحت تأثیر دو عامل بالا بر این هژمونی دست‌یافته است؛ هم نیاز غربی‌ها به ارائه یک «غیر» که اسلام و مسلمانان است (به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی) و هم برخی باورها و رفتارها که ارائه آن در رسانه‌های غربی و اغراق دربارهٔ آن و تعمیم آن به همهٔ مسلمانان کمک کرده است تا اسلام به‌عنوان دینی خشن و مخالف حقوق بشر و زنان و مخالف مدنیت غربی، معرفی شود و این دو عامل، مدرسان گفتمان اسلام‌هراسی بوده‌اند؛ در عین حال، نویسنده از نقش کنشگران سیاسی نومحافظه‌کار یادمی‌کند که به دلایل فکری و مذهبی و حتی اقتصادی و برای تأمین منافعشان به اسلام‌هراسی روی آورده‌اند (صالح نجف‌آبادی، ۱۳۸۸: ۳۰۱)؛ متفکرانی مانند هانتینگتون و برنارد لوئیس با طرح ایدهٔ گسست تمدنی در ارائهٔ این تصویر نقش داشته‌اند (صالح نجف‌آبادی، ۱۳۸۸: ۳۰۲). با مرور نظریات غالب دربارهٔ اسلام‌هراسی می‌توان ریشه‌های اسلام‌هراسی را در موارد زیر خلاصه کرد:

- اول، بقای غرب در نشان دادن تمایز با دیگری (غیریت‌سازی)؛
- دوم، گسست تمدنی میان تمدن غرب و تمدن اسلامی؛
- سوم، گروه‌های رادیکال اسلامی مروج تروریسم.

اما اگر این فرض را بپذیریم که طرح «غیریت‌سازی» جهان غرب برای حفظ حیات ایدئولوژیک خود و همچنین طرح گسست تمدنی توسط لوئیس و هانتینگتون و رفتار گروه‌های اسلامی رادیکال، همگی دست‌به‌دست هم داده‌اند تا طرح اسلام‌هراسی از طریق حکومت‌ها، روشنفکران و طی فرایند جهانی شدن از طریق رسانه‌ها گسترش یابد؛ آیا این وضعیت در روسیه نیز همین مسیر را طی می‌کند؟ و آیا موقعیت جامعهٔ روسیه با سایر کشورهای غربی متناظر است؟ اما پیش از پاسخ به این پرسش،

آشنایی با تاریخ روسیه و موقعیت مسلمانان در این کشور راهگشا خواهد بود؛ همین تاریخ، تفاوت میان روسیه با سایر کشورهای غربی را آشکار خواهد کرد؛ به بیان دیگر، مسلمانان در روسیه ریشه‌ای عمیق دارند و پیش از شکل‌گیری مرزهای امروزی در آن سرزمین‌ها زندگی می‌کرده‌اند؛ بنابراین موقعیتشان نسبت به مسلمانان غرب که بیشتر، مهاجران کشورهای آسیایی و آفریقایی هستند، متفاوت است.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی (Descriptive Research) آنچه را که هست، توصیف و تفسیر می‌کند و به شرایط یا روابط موجود، عقاید متداول، فرایندهای جاری، آثار مشهود یا روندهای در حال گسترش توجه دارد؛ تمرکز آن در درجه اول به زمان حال است، هرچند اغلب، رویدادها و آثار گذشته را نیز که به شرایط موجود مربوط می‌شوند، بررسی می‌کند. تحقیق توصیفی، شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آنها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. اجرای تحقیق توصیفی می‌تواند تنها برای شناخت شرایط موجود یا یاری‌دادن به فرایند تصمیم‌گیری باشد (بازرگان، ۱۳۸۳: ۶۷).

محقق در این نوع پژوهش، توصیف عینی، واقعی و منظم یک موقعیت را به انجام می‌رساند؛ پژوهشگر در این‌گونه تحقیق‌ها تلاش می‌کند تا نتایج عینی را بیان کند؛ این تحقیق در پاسخ به پرسش‌هایی مانند چقدر؟ چه کسی؟ و چه اتفاقی خواهد افتاد؟ است. تمرکز اصلی در درجه اول به زمان حال است.

اجرای تحقیق توصیفی ما را قادر می‌سازد که شرایط موجود را بشناسیم و امکان تصمیم‌گیری را فراهم می‌کند. یکی از روش‌های توصیفی، روش موردی (ژرفانگر) است. در این روش، حوزه تحقیق یک مورد خاص نظیر یک فرد یا یک خانواده یا یک گروه یا یک مؤسسه یا یک جامعه است و پژوهشگر تلاش می‌کند، ویژگی‌های خاص آن مورد را بررسی کند. موردی بودن پژوهش این امتیاز را دارد که محقق می‌تواند به نتایجی دقیق‌تر و عمیق‌تر از آن دست‌یابد و این عیب را دارد که نمی‌توان یافته‌های تحقیق مربوط به آن را به موارد دیگر تعمیم داد.

با این مقدمه و با توجه به اینکه موضوع اسلام‌هراسی در کشورهای مختلف با همه اشتراک‌های موجود در جوامع، مانند رسانه‌های جهانی، ابعادی گوناگون و پیچیده دارد، در این مقاله تلاش می‌کنیم با توصیف وضعیت مسلمانان از گذشته تا امروز، نگاهی عمیق‌تر به جامعه روسیه و ریشه‌ها و ابعاد اسلام‌هراسی در آن بیندازیم.

پ- مسلمانان روسیه

فدراسیون روسیه با حدود ۱۴۲/۸ میلیون نفر جمعیت، ششمین کشور جهان و دارای رشد جمعیت منفی است. ۷۳ درصد (۳/۴) خاک روسیه در بخش آسیایی و مابقی آن در بخش اروپایی قرار دارد. بیشتر جمعیت روسیه در غرب این کشور (بخش اروپایی) زندگی می‌کنند. حدود ۸۰ درصد (۱۱۵ میلیون تن) از مردم روسیه از نژاد روسی هستند و سایر نژادهای این کشور عبارت‌اند از: تاتار، اوکراینی، چوواش، چچنی، ارمنی، داغستانی، مغول، آواری، اینگوش، چرکس، بالکار، اوستیایی، آذری، گرجی و ...؛ زبان رسمی روسیه، زبان روسی است؛ اما ۲۷ زبان رسمی دیگر نیز در جمهوری‌ها و مناطق خودگردان این کشور وجود دارند. روسیه ۲۱ جمهوری خودگردان دارد که بیشتر در جنوب باختر کشور (قفقاز شمالی) قرار دارند. مذهب بیشتر مردم روسیه، مسیحی ارتدوکس است و دیگر مذاهب عبارت‌اند از: کاتولیک‌ها، پروتستان‌ها، ارامنه کریگوریان، بودائی‌های لامایی، یهودیان و مسلمانان که به‌طور عمده، اهل تسنن هستند؛ مسلمانان، دومین دین بزرگ (۱۵ تا ۲۰ میلیون جمعیت) را در روسیه تشکیل می‌دهند.

اسلام در روسیه بیش از ۱۴۰۰ سال قدمت دارد. در منطقه «پاولژییه» (سواحل رودخانه ولگا) اسلام به‌طور تقریبی، صد سال جلوتر از گرایش روسیه به شاخه ارتدوکس مسیحیت به‌عنوان مذهب رسمی وجود داشته‌است؛ در حال حاضر، اسلام از لحاظ تعداد پیروان، دومین مذهب رسمی روسیه بعد از ارتدوکس به‌شمار می‌آید. در حال حاضر بنا به ارزیابی کارشناسان بین ۱۵ تا ۲۴ میلیون مسلمان در روسیه زندگی می‌کنند. بنا به گزارش اداره دینی مسلمانان در بخش اروپایی روسیه، در استان مسکو بیش از ۳ میلیون مسلمان و در خود شهر مسکو در حدود ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۲ میلیون نفر مسلمان سکونت دارند.

مسلمانان روسیه بیشتر، اهل تسنن (شاخه‌های حنفی و شافعی) هستند. در «پریولژییه»، داخل روسیه و سیبری، اغلب مسلمانان از شاخه حنفی و در قفقاز (به‌غیر از آذربایجان‌ها) شافعی‌اند. پیروان شاخه‌های حنبلی بسیار کم و از شاخه مالکی به‌طور تقریبی وجود ندارد. بیشتر شیعه‌های جعفری را آذربایجان‌ها (در حدود ۲ میلیون نفر) تشکیل می‌دهند.

۱- موقعیت مسلمانان در امپراتوری روسیه

در دوران تزارها و به‌خصوص تحت حکومت پترکبیر، اصلاحات رادیکالی طراحی شد که برای

توسعه بیشتر کشور به سمت کشورهای آسیایی و افزایش طول این مسیر به سمت غرب صورت گرفت؛ در این دوره از اصلاحات، کلیسای ارتدکس روسیه به‌عنوان نمادی از استقلال روسیه به‌شمار می‌رفت.

تسلط بر اقوام، یکی از مسائل اصلی تزارها بود و این تسلط بر اقوامی که غیر از زبان در مذهب هم با روس‌ها تفاوت داشتند جدی‌تر می‌شد؛ طبق گفته نلین، روسیه تزاری به زندان اقوام، مبدل شده بود و به دو گروه اجتماعی با عنوان گروه حاکم و گروه بیگانه تقسیم شده بود (جلایی‌پور، ۱۳۷۶: ۴۶). تزارها در تسلط قومی بر بیگانه‌ها از حمایت همه‌جانبه کلیسای ارتدوکس بهره‌مند بودند؛ آنها برای تغییر مذهب اقوام، در میان فرقه‌های کوچک مذهبی غیرمسیحی موفق بودند اما درخصوص مسلمانان آسیای مرکزی و قفقاز و ارمنی‌ها موفق نبودند. مرزهای تقسیم‌های کشوری (استان‌ها و مناطق) را از درون خاک گروه‌های قومی می‌گذرانند و درحداکثر از ایجاد همبستگی قومی و تشکیل نهادهای قومی در میان آنها جلوگیری می‌کردند؛ زبان و فرهنگ آنها را در مقابل فرهنگ تمدن برتر روسی تحقیر می‌کردند؛ به اختلاف‌های قومی دامن می‌زدند (مانند قتل عام مسلمانان در منطقه ارمنستان و یهودیان در جنوب)؛ بدین ترتیب قدرت، نظامی تزارها، ناسیونالیسم افراطی روسی (طبق تفسیر طبقات حاکم)، حمایت و توجیه همه‌جانبه کلیسای ارتدوکس، عوامل مهم کنترل نیروی قومی و مذهبی تا پایان قرن نوزدهم در امپراتوری روسیه بودند (جلایی‌پور، ۱۳۷۶: ۴۶).

۲- موقعیت مسلمانان در دوران حاکمیت کمونیسم

انقلاب بلشویکی اکتبر ۱۹۱۷، پایه‌های دولت و جامعه روسیه را درهم‌شکست؛ در همان زمان ۱۸ میلیون مسلمان روس که در فقر می‌زیستند، وعده بلشویک‌ها را برای صلح و عدالت اجتماعی مطالبه می‌کردند. ابتدا رهبران انقلاب به معضلات قومی و مذهبی توجه نشان دادند و استقلال قومی را به رسمیت شناختند اما با تثبیت موقعیتشان در اواسط دهه ۱۹۲۰ و با این طرح که معضل اساسی جوامع، نظام طبقاتی است و باید برای از میان برداشتن آن، متحد شد ایدئولوژی جایگزینی برای ناسیونالیسم دوره تزارها آشکار شد که کم و بیش، راه را بر تفاوت‌های قومی و مذهبی بست؛ از سال ۱۹۲۷ مبارزه قاطعانه با دین آغاز شد؛ در سراسر کشور، مدارس دینی تعطیل شدند؛ اصل تربیت غیردینی کودکان، اساس برنامه‌های آموزشی مدارس را تشکیل داد؛ در این دوران، بسیاری از مساجد، همانند بسیاری از کلیساها بسته بودند؛ برای نمونه، مسجد ماراکانی در کازان تنها مسجدی بود که فعالیت می‌کرد.

پس از لنین و در دوران رهبری استالین، مهاجرت روس‌ها به مناطق غیرروسی تداوم‌یافت. آموزش طرح‌های حزبی از طریق مدارس و واحدهای فرهنگی شدت‌یافت. اقتصاد محلی هرچه بیشتر به اقتصاد مرکز وابسته شد؛ سازمان اداری هرچه بیشتر متمرکز و عمودی (از بالا به پایین) شد. هرچه بیشتر مذهب در بند کشیده شد و نظریه ایجاد یک «جامعه تاریخی یا جامعه شوروی» که در اصل یک سیاست «انهدام قومی و ملی» بود، تقویت شد، ۱۰۰ هزار چچن، آلمانی، تاتاری... از جمهوری روسیه به آسیای مرکزی و سیبری به‌عنوان خیانت‌ضد «جامعه شوروی» تبعید شدند؛ در این دوره یک حکومت مبتنی بر «سلسله‌مراتب ملی» تشکیل شده که در رأس آنها روس‌ها به‌عنوان قوم برتر قرار داشتند و سپس جمهوری‌های اوکراین، بیلوروس، سه جمهوری بالتیک و قزاقستان، جمهوری‌های قفقاز و آسیای مرکزی قرار گرفتند (جلایی‌پور، ۱۳۷۶: ۴۹)؛ چنانکه می‌بینیم ریشه اختلاف‌ها و بدبینی‌های قومی و مذهبی امروزی در روسیه بیش از صدها سال قدمت دارد؛ این واقعیت، ماهیت اسلام‌ستیزی در روسیه را نسبت به کشورهای غربی متمایز می‌سازد و آن را با مسائل قومی گره زده است.

۳- موقعیت مسلمانان در شرایط کنونی

اولین جلوه‌های اسلام در سال ۱۹۹۰ پس از فروپاشی شوروی، پدیدار شد. تعداد زائران از روسیه به مکه پس از فروپاشی شوروی افزایش یافت. بنابر آمار، در سال ۲۰۰۰، بیش از ۱۸ هزار مسلمان زائر روسی از سراسر کشور برای حج به عربستان، عازم شدند. مدرسه فرهنگ اسلامی در روسیه، در سال ۱۹۹۱ در مسکو باز شد. امروزه کپی‌های قرآن در روسیه در دسترس هستند و مساجد در مکان‌های که مسلمانان در آنجا سکونت دارند، ساخته می‌شوند. طی ده سال گذشته احیای اسلام در روسیه با احداث مساجد (در سال ۲۰۰۱ تعداد آنها بیش از ۴ هزار مسجد بوده است) به صورت فعالی جریان داشته است. در شهر مسکو، شش مسجد فعال هستند که طی سال‌های آینده قرار است یازده مسجد دیگر نیز احداث شوند. فروشگاه‌های ویژه، رستوران‌ها، مراکز مشاوره بانوان، بیمارستان‌ها، آرایشگاه‌ها، آژانس‌هایی ویژه جذب کارکنان و بنگاه‌های امور برگزاری آیین و مراسم جشن و سوگواری، دفاتر وکلا، بنیادهای خیریه و آموزشی، نشریات و چاپخانه و سازمان‌های حقوقی ویژه مسلمانان در حال تأسیس‌اند.

تعداد مساجد در این کشور، به‌طور مکرر در حال افزایش است. فعالان دینی امکان انجام وعظ و تبلیغ را به صورت آزادانه در اختیار دارند. سازمان‌های دینی و والدین، آزادانه می‌توانند به تربیت نسل

در حال رشد پردازند و فرزندان خود را براساس اصول اسلامی تربیت‌کنند. بهتر است فراموش‌نکنیم که طی شصت سال حضور دولت شوروی در سرزمین روسیه، هیچ مؤسسه و محلی برای تحصیلات دینی مسلمانان وجود نداشت. امروز چندین و چند مؤسسه برای این امر اختصاص داده شده‌اند که خادمان اسلام در آن آماده می‌شوند؛ این مسئله نیز خالی از اهمیت نیست که مسلمانان روسیه به‌واقع، خود را بخشی از دنیای مسلمانان احساس می‌کنند (شریفی، ۱۳۸۹).

۴- بحران رشد جمعیت مسلمانان در روسیه

هم‌اکنون شمار مسلمانان روسیه بیش از ۲۰ میلیون نفر بیان شده‌است که ۱۳/۸ درصد از جمعیت ۱۴۵ میلیون نفری فدراسیون روسیه را شامل می‌شوند. (Hunter, 2003: 43) جمعیت مسلمان مسکو حدود ۲/۵ میلیون نفر است که این شهر را در میان همه شهرهای اروپایی به بزرگ‌ترین شهر مسلمان تبدیل کرده‌است. با وجود شمار بالای جمعیت مسلمانان روسیه، آنها در تشکیل هویت رسمی نقشی ندارند. این در حالی است که جمعیت روسیه به ۱۳۰ تا ۱۳۵ میلیون در ۲۰۱۵ کاهش خواهد یافت (دیاب، ۱۳۸۵: ۶۵) و با رشد جمعیت کنونی تا آن زمان، ممکن است جمعیت مسلمانان روسیه به ۱۵ تا ۱۷ درصد کل جمعیت روسیه (بدون احتساب مهاجران مسلمان) برسد (Malashenko, 2006: 6) یا حتی شمار مسلمانان از مسیحیان ارتدوکس هم بیشتر شود (ابراهیمی ترکمان، ۱۳۸۸: ۳) زیرا براساس آمارهای رسمی دولت روسیه، جمعیت اسلاوهای روسیه هر ساله حدود ۱ میلیون نفر کاهش می‌یابد ولی جمعیت خانواده‌های مسلمان به دلیل علاقه آنان به داشتن فرزندان بیشتر، همواره در حال افزایش بوده‌است (براری، ۱۳۸۸: ۳۳). براساس پیش‌بینی جامعه‌شناسان روس در سال ۲۰۲۰ از هر پنج شهروند روس یک نفر، مسلمان خواهد بود (وضعیت مسلمانان در روسیه، ۱۳۸۴: ۲۳)؛ این افزایش جمعیت در شهرهای مرکزی بزرگ روسیه، بسیار ملموس خواهد بود؛ برای نمونه، جمعیت مسلمان مسکو در ۱۹۸۹، ۲۵۰ هزار نفر بود که در دهه ۱۹۹۰ به یک میلیون نفر رسید. این در حالی بود که سیاست‌های تبعیض ضد مسلمانان به شدت اجرامی شد؛ ساده‌ترین نمونه آن، اخراج هزاران مسلمان مهاجر از مسکو بود (Maryniak, 1999: 13).

اما در شرایطی که بومی‌ها و اقوام روسی به دلیل کاهش زاد و ولد برای ادامه بقای خود با چالش جدی روبرو هستند، هر سال، موجی از مهاجران از مناطق به‌طور عمده مسلمان آسیای مرکزی به روسیه هجوم می‌آورند؛ از سوی دیگر، دولت روسیه این جمعیت را خطری بزرگ برای خود می‌داند چون دو جنگ در شمال قفقاز با حضور تندروهای اسلامی صورت گرفته‌است. در دوره پس از

شوروی، اقلیت‌های قومی، نژادی و مذهبی که بیشتر در قالب مهاجر (قدیمی و جدید) در روسیه حضور داشته‌اند و دارند، بخشی از تصویر مبهم این دشمن جدید مشکل‌زا را شکل داده، بهانه‌ای برای احاله مشکلات شده‌اند (Charny, 2005: 18). طبق یک نظرسنجی در سال ۱۳۸۴ حدود ۴۰ درصد مردم روسیه معتقد نیستند که مهاجران بتوانند به توسعه روسیه کمک‌کنند، ۶۰ درصد معتقدند مهاجرت شرایط جرم و جنایت را بدتر کرده، ۷۰ درصد با محدود کردن جریان مهاجرت به روسیه موافق‌اند. آمار قربانیان خشونت‌های نژادپرستانه در روسیه نیز از آن، حاکی است که طی سال‌های اخیر، بیشتر آنها مهاجران کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بوده‌اند که نتوانسته‌اند با شرایط محیط جدید وفق یافته، محیط نیز به جذب آنها تمایلی نداشته‌است؛ نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری فضایی از نارضایتی و اغلب، دشمنی از سوی اسلاوها به این مهمانان ناخوانده بوده‌است.

سیاست‌های افزایش جمعیت روسیه تا دو دهه آتی، تأمین‌کننده نیروی کار روسیه نخواهند بود. نیروی کار مهاجر از کشورهای جنوبی و مسلمان‌نشین به روسیه، وارد خواهند شد؛ با وجود این، همان‌طور که رشد بیگانه‌ستیزی و نژادپرستی در روسیه در حال رخ دادن است، اغلب روس‌ها با مهاجرت غیراسلاوها مخالف‌اند. با افزایش جمعیت مسلمانان، شاهد ارتقای حضور نخبه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مسلمانان در عرصه تصمیم‌سازی روسیه خواهیم بود. با افزایش جمعیت مسلمانان بعد از سی سال شاهد ظهور سیاستمدارانی جدید هستیم که نماینده منافع گروه‌های مختلف براساس وابستگی‌های قومی مذهبی هستند. مسلمانان می‌توانند تا سال ۲۰۱۶ بیشترین جمعیت ارتش روسیه و تا سال ۲۰۲۰، حدود یک‌پنجم جمعیت این کشور را تشکیل دهند؛ این امر، تأثیرهای فرهنگی و سیاسی شدیدی بر آینده روسیه خواهد داشت، زیرا نژادهای غالب روسی از این که هویت ملی روسیه به لحاظ نژادی به چالش کشیده شده، ناراحت هستند. تغییر ساخت نژادی جامعه و رشد اسلام افراطی، تنش‌های نژادی را میان شهروندان روسی تشدید کرده‌است. تغییرهای جمعیتی بر توانایی یک کشور در کسب قدرت تأثیر دارد. نیروی نظامی روسی در سربازگیری و عضوگیری ناکام مانده‌است؛ همچنین مشخص نیست این اکثریت مسلمان که باعث ایجاد یک ارتش غیرروسی می‌شوند، پرچم این کشور را با علاقه حمل کنند. امکان به‌وجود آمدن جنبش‌های شبه‌مذهبی وجود دارد که این جنبش‌ها داعیه جدایی طلبی نخواهند داشت. به احتمال، اسلام افراط‌گرایانه با عناوینی مانند وهابیت و بنیادگرایی به حیات خود ادامه خواهد داد. پس از پانزده سال، تروریسم با شعارهای مذهبی، بلای جان روسیه خواهد بود و به‌رغم این شرایط حکومت مرکزی ناچار خواهد شد با اسلام‌گرایان میانه‌رو مذاکره کند و شاهد برخوردهای قومی- مذهبی خواهیم بود و اسلام‌هراسی رشد خواهد یافت و

در زندگی عادی و سیاسی شهروندان روسیه تثبیت خواهد شد (Malashenko, 2006: 12).

روسیه، بخشی جدایی‌ناپذیر از جهان اسلام است و برای توسعه روابط با کشورهای اسلامی تلاش می‌کند. پیروان مذهب اسلام در روسیه مانند مسلمانان ساکن کشورهای اروپایی، مهاجر نیستند و مسلمانان، اتباع روسیه هستند که ده‌ها نسل آنها در این کشور زندگی می‌کنند. فرهنگ اسلام، بخش جدایی‌ناپذیر فدراسیون روسیه است. نظام بی‌دینی از حکومت روسیه کنار گذاشته شده و دولت این کشور از فعالیت‌های مذهبی حمایت می‌کند.

ولادیمیر پوتین در ماه اکتبر سال ۲۰۰۳ به‌عنوان مهمان در نشست سازمان کنفرانس اسلامی در مالزی حاضر شد و در سال ۲۰۰۵، روسیه پس از انتظاری طولانی به‌عنوان ناظر به سازمان کنفرانس اسلامی، وارد شد. همایش سراسری مسلمانان روسیه برای نخستین بار از سال ۱۹۱۷ تاکنون در محل هتل ریتس کارلتون مسکو برگزار شده است.

در مواردی، این نگرانی که دولت روسیه قصد دارد تا تشکیلات رهبری مسلمانان را تحت کنترل داشته باشد، در سخنان مفتی‌های روسیه دیده شده است. مواردی دیده می‌شود که نشانگر رشد پدیده اسلام‌هراسی سیستماتیک در روسیه هستند. در برخی موارد، مفتی‌های روسیه دولت را به تلاش برای تسلط بر مسلمانان با ایجاد مرکز فتوای تحت نظر خود متهم می‌کنند و از اینکه رسانه‌های روسیه سعی دارند مسلمانان را در اقدام‌های تروریستی اخیر انجام گرفته در روسیه متهم کنند، نگران بوده، خواستار توقف این موضوع هستند.

مسکو با هدف پایش مسلمانان ترجیح می‌دهد نهادهای مسلمانان رودرروی یکدیگر قرار گیرند؛ این سیاست با پشتیبانی گاه‌به‌گاه از یکی از این نهادها دنبال می‌شود. از آنجاکه اداره چند سازمان یکپارچه آسان‌تر از اداره سازمان‌های متعدد و بدون رهبر مشترک است، مسکو ترجیح می‌دهد سازمان‌های اداری - دینی مسلمانان زیر نظارت دو یا چند رهبر روحانی مشخص باشند؛ مسکو ترجیح می‌دهد این رهبران روحانی از طیف متجدد و نزدیک به دولت و کلیسا باشند ولی به دلیل نیرومندی طیف‌های دیگر ناگزیر است به آنها نیز توجه کند (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۰).

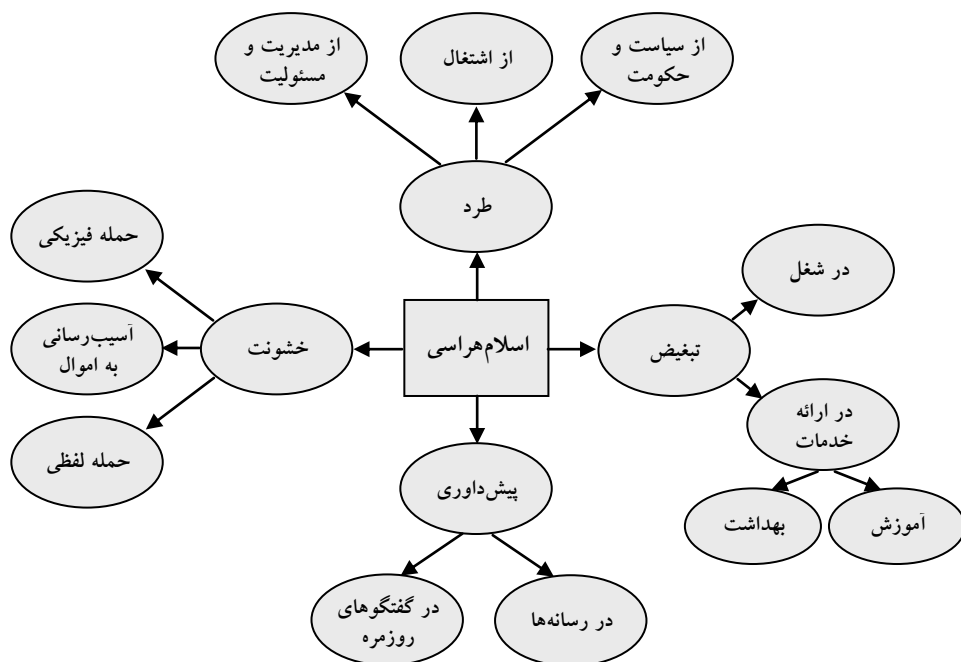
روحانیان مسکو را در سه دسته محافظه‌کار، تندرو و پیشرو می‌توان قرارداد؛ گروه محافظه‌کار را روحانیان متعلق به زمان شوروی تشکیل می‌دهند که از اسلام سنتی طرف‌داری می‌کنند و به دنبال نقشی جدی برای اسلام و مسلمانان در حوزه سیاست و جامعه نیستند؛ اسلام تندرو بیش از تکیه بر طبقه‌ای از روحانیان به گونه‌ای از اندیشه دینی و اسلامی وابستگی دارد که در قالب حرکات و جنبش‌های

گوناگون، بیشتر در قفقاز و گاه مناطق مرکزی روسیه بروز کرده‌است؛ اسلام پیشرو نیز، خط مشی گروهی از روحانیان جوان باقی‌مانده از دوره شوروی و همچنین نسل تازه روحانیان روسیه است که افزون بر گسترش آموزش‌های اسلامی درصدد آشنایی اعضای خود به دانش و آگاهی‌های روز و افزایش نقش مسلمانان روسیه در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی هستند؛ این گروه تعاملی جدی‌تر با دولت و کلیسای ارتدوکس دارند و خواستار نقش جدی اسلام در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی روسیه هستند؛ چنانکه به‌نظر می‌رسد زمان نیز به سود آنان سپری خواهد شد (سنایی، ۱۳۸۵: ۱۸).

ت - اسلام‌هراسی در روسیه

با وجود این آیا اسلام‌هراسی به معنایی که در بخش نظری این مقاله آمد، در روسیه وجود دارد؟ این اعتقاد هست که اسلام‌هراسی در روسیه به آن شکلی که در اروپا وجود دارد، در روسیه دیده نمی‌شود، چراکه مسلمانان از مسجد رانده نمی‌شوند و در انجام مراسم مذهبی مانعی برای آنها وجود ندارد و از آنها خواسته نمی‌شود که عقاید مذهبی را کنار بگذارند. مهم‌ترین اتفاق را می‌توان در اقدام‌های دولت به‌منظور مقابله با گروه‌های تندرو با عنوان «وهابیت» بررسی کرد. به‌طور کلی اسلام‌هراسی در روسیه در نگرشی تبعیض‌آمیز به مهاجرانی توجه دارد که از مناطق مسلمان‌نشین آمده‌اند و نوعی ترس و نفرت نسبت به اسلام به‌عنوان یک جهان‌بینی و سبک زندگی در این کشور دیده می‌شود.

در مفهوم عمومی، اسلام‌هراسی در روسیه نوعی از بیگانه‌هراسی به‌شمار می‌آید. اسلام‌هراسی در روسیه با مشابه غربی آن تفاوت دارد. حکومت شوروی توجه خود را از سنت‌های مذهبی به هویت ملی منتقل کرد؛ این روش را فدراسیون روسیه نیز به‌ارث برده‌است و حکومت آن، توجه اصلی را به سیاست‌های ملی معطوف کرده‌است. اما با توجه به روند جهانی افزایش نقش دین‌های سیاسی، به‌ویژه اسلام، توجه دولتی به مسئله مذهب رو به رشد است. روسیه قدرتی استعمارگر محسوب نمی‌شود، به همین دلیل در برابر ملت‌های مسلمان گناهکار به‌شمار نمی‌رود. روسیه همیشه نقطه تقاطع شرق و غرب بوده و به همین دلیل، اسلام‌هراسی، ویژگی وراثتی آن نیست. اسلام‌هراسی در روسیه بیشتر در میان افرادی دیده می‌شود که از وضعیت پایین اقتصادی و فرهنگی رنج می‌برند (Bojkova, 2010: 14). ترس فزاینده غیر مسلمانان از اسلام، بدبینی فزاینده مسلمانان روسیه به مسئولان جنگ چچن، بمب‌گذاری‌های تروریستی در روسیه و معادل قراردادن تروریسم با اسلام به رشد اسلام‌هراسی در روسیه کمک خواهند کرد (Prazauskas, 2008: 16).



شکل ۱: ابعاد مختلف اسلام‌هراسی (برگرفته از گزارش اسلام‌هراسی: چالشی برای همه ما)

۱- ریشه‌های اسلام‌هراسی در روسیه

۱-۱- غیریت‌سازی با جهان اسلام

«آیا بقای روسیه در غیریت‌سازی در مقابل فرهنگ اسلامی است؟ به بیان دیگر، آیا غیریت‌سازی با تمدن اسلامی و با ساخت دشمن فرضی به یکپارچگی کشور روسیه کمک خواهد کرد؟»؛ این نظریه درون خود دارای پیش‌فرضی بدین مضمون است که فرهنگ و جامعه روسیه، دارای کلتی یکپارچه و واحد است که برای حفظ این وضعیت به دشمنی فرضی نیاز است؛ اما واقعیت تاریخی در روسیه نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین چالش امپراتوری روسیه و همچنین روسیه کنونی، حکومت بر سرزمینی بوده است که دارای تنوع قومی و مذهبی است؛ بنابراین تعمیم نظریه غیریت‌سازی جهان غرب با جهان اسلام درباره روسیه به سادگی ممکن نیست چراکه گسترش امپراتوری روسیه در قرن‌های گذشته به‌رغم تلاش رهبران سیاسی برای غلبه فرهنگ و زبان روسی و مذهب ارتدکس تحت لوای ناسیونالیسم و کمونیسم بی‌نتیجه مانده است؛ البته تفکری در روسیه وجود دارد که معتقد است برای

آینده این کشور باید شرایط جدید را پذیرفت و روسیه نوین را برپایه ملت و فرهنگ روس و جدای از اقوام دیگر پایه‌گذاری کرد (زیمون، ۱۳۷۷: ۱۵۲). آنچه مسلم است برای سیاستمداران و ملت روسیه بسیار دشوار است که عطای عظمت گذشته را به لقایش ببخشند و با کوبیدن بر طبل جداسری و بیگانه‌پنداری، اقلیت ۲۰ میلیونی مسلمانان را نادیده بگیرند؛ اما نباید این نکته را نادیده گرفت که به‌رحال، بخشی از فعالان و نخبگان با همکاری رسانه‌ها بر طرح مفهوم «دیگری» تأکید می‌کنند که البته این دیگری، فرهنگ غرب را نیز دربرمی‌گیرد.

از طرف دیگر به لحاظ تاریخی، روسیه رابطه‌ای به‌کلی متفاوت با جهان اسلام در مقایسه با غرب داشته‌است؛ این رابطه متفاوت به دلیل مکان جغرافیایی روسیه است که میان اروپا- آسیا توسعه‌یافته- است. در قرن هشتم میلادی، مورخان روسی راه داشتن به سمت شرق اسلامی را بازگو کرده‌اند. در همین دوران است که میان دودمان‌های روسیه با ساکنان سایر دشت‌های وسیع به‌خصوص با سایر عشایر ترک‌نشین که بسیاری از آنها به دین اسلام گرویده بودند تعاملی خودجوش به‌وجود آمده‌بود؛ به‌بیان دیگر، برخلاف کشورهای غربی که مسلمانان از کشورهای دیگر به آنجا مهاجرت کرده‌اند، مسلمانان فدراسیون روسیه قرن‌ها در تعامل و ارتباط با فرهنگ روس قرار داشته‌اند و به‌رغم سرکوب و خفقان در دوران‌های مختلف، خود را صاحب حق سرزمینی، تشکیل ملت و فرهنگ مستقل می‌دانند؛ برای نمونه، برخی معتقدند اسلام به‌طور تقریبی پیش‌تر از مسیحیت و پیش از اینکه شاخه ارتدوکس به‌عنوان مذهب رسمی در منطقه «پاولژی» (سواحل رودخانه ولگا) پذیرفته‌شود، به سرزمین روسیه، وارد شد (عسگریان، ۱۳۸۶: ۲۰۵)؛ این ارتباط همان‌طور که طی قرن‌ها تجربه‌شد برای طرف‌داران فرهنگ روسی، این امکان را فراهم‌نمی‌آورد که به‌راحتی، هژمونی خود را بر سایر اقوام و گروه‌های مذهبی تحمیل کنند.

۱-۲- گسست تمدنی میان تمدن اسلاو و تمدن اسلامی

در مرز شمالی جهان اسلام، به‌طور روزافزون، میان مسلمانان و ارتدکس‌ها درگیری رخ داده‌است؛ در این زمینه می‌توان از کشتار در بوسنی و سارایوو، خشونت میان صرب‌ها و آلبانیایی‌ها، روابط متشنج بلغارها و اقلیت ترک در بلغارستان، خشونت در روابط مردم اوستی و اینگوش، کشتار پیوسته آذری‌ها و ارمنی‌ها از یکدیگر، تنش در روابط روس‌ها و مسلمانان آسیای مرکزی و اعزام نیروهای روسیه به قفقاز و آسیای مرکزی برای حمایت از منافع روسیه، نام‌برد. مذهب به احیای هویت قومی کمک می‌کند و نگرانی روس‌ها را درخصوص امنیت مرزهای جنوبی دامن‌می‌زند (هانتینگتون،

۱۳۷۲:۸). آرچی روزولت می‌گوید: «بخش اعظم تاریخ روسیه به نزاع اسلاوها و ترک‌ها در مرزهایشان مربوط است که به دوران تشکیل دولت روسیه یعنی به پیش از هزار سال پیش بازمی‌گردد. در مسئله درگیری هزار ساله اسلاوها و همسایگان شرقی‌شان، نه تنها شناخت تاریخ روسیه بلکه شناخت شخصیت‌های روس جنبه کلیدی دارد. برای درک واقعیت‌های امروز روسیه، شخص باید گروه بزرگ ترک‌نژادی را که قرن‌ها روسیه را در اشغال داشتند، بشناسد (هانتینگتون، ۱۳۷۲:۸).

نظریه هانتینگتون و شواهد ارائه شده در نظریه رویارویی تمدن‌ها تا حدی از اختلاف‌ها و منازعات عمیق میان تمدن‌های اسلاو و تمدن‌های اسلامی نشان‌دارد؛ این منازعات، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شدت گرفت اما به نظرمی‌رسد همان انتقادهایی که به نظریه غیریت‌سازی فرهنگی وارد است در این نظریه نیز وجود دارد. در این نظریه نیز تمدن‌ها به‌عنوان کلیتی متحد و یکپارچه در نظر گرفته می‌شوند درحالی‌که ما هنوز در دورانی به‌سرمی‌بریم که از نقش مؤثر دولت‌های ملی در کنترل افکار و ارزش‌ها کاسته نشده و در طرف دیگر، کشورهای اسلامی که در مسیر گسل تمدنی قرار دارند، کلیتی واحد را نمی‌سازند و اختلاف‌های بسیاری میان آنان وجود دارد. به زعم فواد عجمی، جهان اسلام از تفرقه‌ها رهائی نیافته و خطوط درگیری‌ها حتی در منطقه قفقاز نیز بر مبنای خطوط گسل میان تمدن‌ها تعیین نمی‌شود، بلکه منافع کشورها تعیین‌کننده خطوط درگیری‌هاست. درست است که به جهانی نوین وارد شده‌ایم، اما تمدن‌ها بر این جهان، حاکم نیستند، هرچند وجود دارند و وفاداری‌های تمدنی، هنوز از میان نرفته‌است. بدیهی است که دولت‌ها تحت کنترل تمدن‌ها نیستند، بلکه تمدن‌ها را کنترل می‌کنند؛ روابط خویشاوندی نیز وقتی برای دولت‌ها اهمیت می‌یابد که منافعشان چنین ایجاب کند؛ زیرا، در جهان امروز، هرکس ناگزیر است به فکر خود باشد (امیری، مجتبی، ۱۳۷۲:۳۸)؛ برای نمونه، روابط کشورهای عربی خلیج فارس با غرب نشان‌می‌دهد که در این روابط، تمدن‌ها نقش زیادی ایفانمی‌کنند بلکه منافع ملی، مؤثرتر هستند؛ این موضوع درباره روسیه نیز صادق است چنانچه بسیاری از سیاستمداران روسی همچنان بر بازگشت به دوران طلایی روسیه اصرار دارند و برای دستیابی به این هدف دامن‌زدن بر تفاوت‌های قومی و مذهبی را نادرست می‌دانند و نزدیکی بیش از اندازه به غرب را نیز تقبیح می‌کنند چراکه مدعی نقش مستقل در روابط جهانی هستند؛ به همین دلیل است که ولادیمیر پوتین، هم‌زمان با شعارهای ملی‌گرایانه بر بهبود روابط با مسلمانان نیز تأکید می‌کند.

۱-۳- رادیکالیسم اسلامی و اسلام‌هراسی در روسیه

دولت روسیه حتی پیش از ۱۱ سپتامبر و گسترش موج اسلام‌هراسی در غرب، نسبت به نقش

گروه‌های رادیکال اسلامی، مانند القاعده و نیز جمعیت‌های اسلامی در جمهوری‌های تازه‌استقلال‌یافته بدین بوده‌است. پژوهش‌های انتظاری که خود به دلایل کاری، تجربه سفرهای متوالی به منطقه را داشته، نشان می‌دهد که روس‌ها بعد از فروپاشی شوروی بر چندین مسئله به‌عنوان تهدید امنیتی پای‌فشرده‌اند که یکی از مهم‌ترین آنها خطر اسلام رادیکال است. مسئولان روسی، بارها بر خطر گروه‌های اسلامی تندرو تأکید کرده‌اند و گاه حتی درخصوص آن به اغراق روی آورده‌اند؛ برای نمونه، ژنرال «لید» از فرماندهان نظامی برجسته روسیه در سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۷۶ م. و حتی پس از آن، چنان تصویر موحشی از القاعده و اسلام‌گراها ارائه می‌کرد که گویی آنان قرار است پس از تصرف کشورهایمانند تاجیکستان، ازبکستان و قزاقستان به یک خطر امنیتی فوری و مهم برای روسیه تبدیل شوند (انتظاری، ۱۳۷۸: ۱۷۱)؛ این در حالی است که همان زمان، نویسندگانی برجسته، مانند الکساندر سولژنستین این جنجال و هیاهو بر سر بنیادگرایی اسلامی در روسیه را غیرواقعی و بیهوده مطرح کرده‌بودند (انتظاری، ۱۳۷۸: ۱۷۲)؛ این ترس درباره طالبان نیز پیش از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م. وجود داشت چراکه این تحلیل بود که طالبان، درصدد نفوذ به کشورهای آسیای مرکزی و ایجاد آشوب و درگیری و شاید قدرت گرفتن گروه‌های متمایل به بنیادگرایی در این کشورهاست. (انتظاری، ۱۳۷۸: ۱۹۰)؛ درعین حال، ایدئولوژی بنیادگرایی می‌تواند برای روسیه در چین، داغستان و ... دردسرساز شود چنانکه تاکنون این اتفاق افتاده‌است؛ اما نکته اساسی، این است که جریان‌های اسلامی متفاوتی در قفقاز وجود دارند که نمی‌توانیم همه آنها را بنیادگرا بنامیم و آنچه وجود دارد اغراق در خطر بنیادگرایی یا مواجهه با هر خواست مردم مسلمان تحت پرچم بنیادگرایی برای نادیده گرفتن آن است (انتظاری، ۱۳۷۸: ۲۲۵).

مقام‌های روسی پس از فروپاشی شوروی، اسلام بنیادگرا را خطری بالفعل برای خود قلمداد کرده، نسبت به آن هشدار دادند و حتی پیمان‌های امنیتی با جمهوری‌های تازه‌استقلال‌یافته ضد بنیادگرایی اسلامی و وهابیت منعقد کردند. آنچه مسلم است به‌رغم اغراق در نقش مسلمانان رادیکال در ایجاد اسلام‌هراسی در روسیه، کشتن غیرنظامیان در مترو مسکو و گروگان‌گیری بیش از ۱۱۰۰ نفر در مدرسه‌ای در شهر بسلان که به قتل عام ۳۸۰ نفر منجر شد و مواردی از این دست، زمینه‌های اسلام‌هراسی را در میان جامعه روسیه تقویت کرده‌اند.

۱-۴- عوامل گسترش اسلام‌هراسی در روسیه

چنانچه بحث شد، ریشه‌های اسلام‌هراسی در روسیه به‌سادگی با نظرات رایج در غرب متناظر نیست و اوضاع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی جغرافیایی روسیه، شرایطی متفاوت را

ایجاد کرده‌اند؛ بنابراین در اینجا لازم است علاوه بر موارد یادشده به عوامل دیگر اسلام‌هراسی در روسیه اشاره کرد؛ عواملی مانند عملکرد دولت در مواجهه با مسلمانان، نقش رسانه‌ها و رشد ملی‌گرایی افراطی.

برخورد تبعیض‌آمیز مأموران پلیس روسیه با مهاجران مسلمان در قالب حساسیت، انزجار و گناه‌توهین به انجام فرایض دینی، به‌ویژه نماز جماعت، رفتارهای نژادپرستانه ضد دختران و زنان محجبه، وجود گروه‌هایی با عنوان کله‌پوستی با احساسات افراطی ناسیونالیستی و ملیت‌گرایی که اعمالی خشونت‌آمیز را از خود بروزمی‌دهند که بیشتر ضد مهاجران است که اغلب، مسلمان هستند؛ «ضرب و شتم و تحقیر مسلمانان در اماکن عمومی، اخراج خانم عزیزه سنگین آوا، مبلغ دین اسلام از شهر سیکتیوکار پس از حادثه انفجار در مترو مسکو، اخراج یک دانش‌آموز کلاس پنجمی از مدرسه در جمهوری اینگوش به دلیل ایستادگی بر حجاب خود، تظاهرات ضد ساخت مسجد در شهر مسکو»، مواردی هستند که در این چندسال اخیر در روسیه مشاهده شده‌اند و هرچند نمی‌توان شدت رفتارهای ناشی از اسلام‌هراسی را هم‌ردیف با اروپا توصیف کرد، نگرانی‌ها از رشد اسلام‌هراسی در روسیه به مسئله اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی تبدیل شده‌است.

به‌رغم بهبود وضعیت مسلمانان در سال‌های اخیر، دولت همچنان حقوق مسلمانان را نقض می‌کند و می‌کوشد با ایجاد نهادهای موازی، روحانیون مسلمان را تحت کنترل داشته‌باشد؛ همچنین برخی از سیاستمداران با توجه به نیاز مخاطبان با طرح شعارهای ملی‌گرایانه و نفی اقوام و مذاهب دیگر از جمله اسلام بر گسترش این طرح در میان گروه‌های افراطی دامن می‌زنند.

عامل مهم دیگر در گسترش اسلام‌هراسی، رسانه‌ها هستند. برخی از رسانه‌های روسیه با ارائه تصویری مخدوش از مسلمانان، همانند همتایانشان در غرب، بسیاری از ناکامی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را به مسلمانان نسبت می‌دهند؛ این رسانه‌ها با دادن تصویری یکپارچه، هویتی واحد برای مسلمانان ترسیم می‌کنند که مخالف توسعه، مدرنیته و دموکراسی است. هرچند نقش رادیکالیسم اسلامی در این میان نباید نادیده گرفته شود. علاوه بر رسانه‌های روسی، به دلیل فراگیر شدن ارتباط جهانی، بسیاری از روس‌ها در معرض تبلیغات رایج در رسانه‌های غربی قرار می‌گیرند که به‌ویژه بعد از ۱۱ سپتامبر افزایش چشمگیر یافته‌است. الیزابت پول در دایره‌المعارف مطالعات نژاد و قومیت از رسانه‌های غربی به دلیل نقشی که در بروز اسلام‌هراسی داشتند انتقاد می‌کند. از نظر او آنچه در رسانه‌ها درباره اسلام مطرح است به شکل گرفتن ذهنیت منفی از مسلمانان به‌عنوان تهدیدی جدی برای امنیت و ارزش‌های غربی منجر می‌شود.

از جمله عوامل رشد اسلام‌هراسی، گسترش ملی‌گرایی افراطی است؛ این عامل با نگرانی

درخصوص روند دموگرافیک روسیه و ترکیب جمعیتی آن گره‌خورده‌است. با توجه به پیش‌بینی‌های گوناگون، جمعیت روسیه از رقم ۱۴۳ میلیون به دلیل رشد منفی میان اقوام روسی به ۱۰۰ یا حتی ۸۰ میلیون خواهد رسید. به‌طور تقریبی، هر روز، گزارشی از یکی از شهرهای روسیه درخصوص جنایتی با انگیزه‌های نژادپرستانه در رسانه‌های این کشور منتشر می‌شود؛ این اقدام‌ها به گسترش بی‌سابقه اندیشه «راسیسم» معطوف‌اند که هدف آن، ایجاد جامعه‌ای به‌طور کامل، روس (اسلاو) و پاک‌کردن روسیه از ملیت‌های غیراسلاو و خارجیان است (McLennan, 2005: 15)؛ رهبران گروه‌های نژادپرست به پیروان خود می‌آموزند که هرچه بدی است از خارجی‌ها ناشی می‌شود و باید با آنها با قدرت مقابله‌کرد؛ تشدید فعالیت این گروه‌ها طی سال‌های اخیر به حدی بوده که سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشر بین‌المللی بارها به مقام‌های روسیه درخصوص اهمال و عدم توجه جدی به گسترش این پدیده هشدار داده‌اند (2006: 24) «Праграмма гаражданских дествиней против фашизма».

هرچند خاستگاه اصلی «کله‌پوستی»‌ها بریتانیا و گسترده‌ترین محل فعالیت آنها، آلمان بوده و هرچند، روسیه بیش از هر کشور دیگری در مقابل نازی‌ها جنگیده، از آنها نفرت داشته، در شکست آنها سهم داشته‌اند، مرور تحول‌های سال‌های اخیر در روسیه از آن حکایت‌دارد که ایدئولوژی نئونازیسم، بیش از هر کشور دیگری در جامعه روسیه پس از شوروی شیوع یافته‌است (2008: 39) (урсул).

همه «کله‌پوستی»‌ها در شعار «روسیه برای روس‌ها» مشترک‌اند و مسئله‌ای که بیش از هر چیز، آنها را با یکدیگر متحد می‌کند، نفرت از خارجی‌ها به‌ویژه مهاجران آسیای مرکزی و قفقاز، آسیایی‌ها و آفریقایی‌های (به‌طور کلی سیاهان) حاضر در روسیه است که به‌صورت ضرب و شتم شدید و قتل آنها نمود بیرونی می‌یابد. ملیت‌های غیراسلاو روسیه از جمله اتباع قفقاز شمالی (به‌ویژه چچنی‌ها و داغستانی‌ها) و همچنین یهودیان از جمله شهروندان این کشور هستند که در کنار خارجی‌ها، زیر شعار مقابله با «دشمنان ملت» هدف حمله گروه‌های «کله‌پوستی» قرار می‌گیرند؛ البته در بسیاری موارد، ملیت برای «کله‌پوستی»‌ها مطرح نیست و غیراسلاو و غیرسفیدبودن، مهم‌ترین دلیل نفرت و انگیزه اقدام‌های خشونت‌آمیز آنهاست (Nadezhdina, 2007: 27).

نتیجه‌گیری

اسلام‌هراسی پدیده‌ای رو به رشد در روسیه محسوب می‌شود که بیش از آنکه آن را محصول نفوذ اندیشه غربی بدانیم، باید ریشه‌های آن را در خود جامعه روسیه جستجو کرد. به‌نظر می‌رسد کشور روسیه با خلق مفهوم «دیگری» بیش از آنکه بخواهد یکپارچگی خود را حفظ کند در صدد است با

طرح این مفهوم، این یکپارچگی را بناکند؛ بنابراین بیشتر از مفهوم ملیت و بازگشت به دوران طلایی سخن می‌گوید؛ این دیگری همان اندازه که شامل گروه‌های قومی و مذهبی درون حوزه نفوذ روسیه می‌شود فرهنگ غربی را نیز دربرمی‌گیرد.

از طرف دیگر، موقعیت روسیه در منطقه باعث شده‌است که دولت در جستجوی منافع ملی و حفظ فاصله با جهان غرب (در جهت بازگشت به دوران طلایی) تنش‌ها و اختلاف‌های ناشی از گسست تمدنی (ارزش‌های متضاد) با مسلمانان را کاهش دهد یا درصدد کم‌رنگ جلوه‌دادن آن باشد.

در میان عواملی که برای اسلام‌هراسی در روسیه بیان‌کردیم، به‌نظر می‌رسد عامل نسبت‌دادن حملات تروریستی و انتحاری به مسلمانان افراطی در بروز ذهنیت ترس از اسلام در میان اقلیت غیرمسلمان روسیه نقشی مؤثرتر دارد، چراکه ترسی است که به‌صورت عینی می‌توان احساس کرد و چندان به آینده‌نگری نیاز ندارد.

عوامل دیگر، مانند عملکرد دولت، رسانه‌ها و رشد اندیشه‌های ملی‌گرایی افراطی و ترس از رشد جمعیت مسلمانان در گسترش اسلام‌هراسی، اهمیت دارند؛ البته به‌نظر می‌رسد درک این عامل در میان توده مردم، اهمیتی کمتر داشته‌باشد.

آنچه حائز اهمیت است اینکه دولت روسیه بدون یاری اقوام و مذاهب فدراسیون روسیه قادر نخواهد بود به نقش تأثیرگذارش در گذشته دست‌یابد و با ساختارهای گذشته (زور و ارباب) نیز امکان یکپارچه‌سازی یک ملت، ممکن نیست؛ بنابراین باید به‌جای تقویت شکاف‌های ملی و مذهبی تلاش کند گروه‌های مختلف را متحد کرده، از تکرار حوادث جلوگیری کند؛ از سوی دیگر، گروه‌های مسلمان باید در شیوه تبلیغ و گسترش اسلام، نهایت هوشیاری را به‌خرج داده، با استفاده از امکانات رسانه‌ای، تصویر مخدوش‌شده اسلام توسط گروه‌های افراطی را تصحیح کنند.

فهرست منابع

۱- منابع فارسی

- افخمی، حسینعلی و م نیک ملکی (۱۳۸۸). «اسلام‌هراسی در اروپا: بررسی موردی فیلم «فتنه»». *فصلنامه رسانه*، پاییز، شماره ۷۹.
- امیری، مجتبی (۱۳۷۲). «نظریه رویارویی تمدن‌ها از دیدگاه منتقدان». *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، مهر و آبان، شماره ۷۳ و ۷۴.

- انتظاری، حسینعلی (۱۳۷۸-۱۳۷۹). نقش بنیادگرایی (وهابیت) در آسیای مرکزی و قفقاز [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- بازرگان، عباس؛ زهره سرمد و الهه حجازی (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، انتشارات آگاه.
- سعید، ادوارد (۱۳۷۹). *اسلام رسانه‌ها*، ترجمه اکبر افسری، توس.
- فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر هلسنیکی (IHF): [محقق آن. سوفی نیمان]، تبعیض و ناشکیبایی علیه مسلمانان در اتحادیه اروپا بعد از ۱۱ سپتامبر؛ *گزارش فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر هلسنیکی*؛ مترجم علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۸.
- جلایی پور، محمدرضا (۱۳۷۶). «نیروی ناسیونالیسم: کنترل و رهایی آن در شوروی سابق». *مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، زمستان، شماره ۲۰.
- دیاب، احمد (۱۳۸۵). «بحران جمعیت در روسیه». *فصلنامه ایراس*، شماره ۷، خرداد.
- زیدالشمی، ثقیل ابن سایر (۱۳۸۸). اسلام و تروریسم، *مجموعه مقالات همایش جهانی اسلام قربانی تروریسم*، تهران: انتشارات پرتو واقعه.
- زیمون، گرهارد (۱۳۷۷). «ملیت روسی و کثرت قومی». ترجمه لادن مختاری، *مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۲۴.
- سعید، ادوارد (۱۳۷۸). *پوشش خبری اسلام در غرب*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱.
- سنایی، مهدی (۱۳۸۵). «اسلام در روسیه: دوره اول شکل‌گیری». *فصلنامه مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز (ایراس)*، سال اول، شماره ۲.
- شیمیل، آنه ماری (۱۳۷۵). *درآمدی بر اسلام*، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صالحی، غلامرضا (۱۳۸۸). زمینه‌ها و راهکارهای مقابله با تروریسم در جهان اسلام، *مجموعه مقالات همایش جهانی اسلام قربانی تروریسم*، تهران: انتشارات پرتو واقعه.

- عسگریان، عباس‌قلی (۱۳۸۶). «جوامع مسلمان و سازمان‌های اسلامی فدراسیون روسیه». *مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۵۹.
- عنایت، حمید (۱۳۵۸). *سیری در اندیشه سیاسی غرب*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- کولایی ا. و س.م. حسینی (۱۳۸۹). «رویارویی روسیه با چین: زندگی در مرز خشونت». *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۷۱.
- مرشدی‌زاد، علی و زاهد غفاری هشتجین (۱۳۸۶). «اسلام هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و عوامل». *دانش سیاسی*، شماره ۲.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۴). *سیمای اسلام و مسلمانان در ادبیات فرانسه زبان پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م*، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۲). «رویارویی تمدن‌ها». ترجمه مجتبی امیری، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، خرداد و تیر - شماره ۶۹ و ۷۰.
- هینلز، جان راسل (۱۳۸۶). *راهنمای ادیان زنده*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، قم: نشر بوستان کتاب.

۲- منابع روسی

- Канах А.М. (2008), Исламофобия как политическое явление XXI века, вестник СевДТУ, вып. 91.
- Малашенко Алексей (2006), Возрождение ислама, происходящее в России в течение двух последних десятилетий, противоречиво по своим последствиям, Ислам и политика в России, декабрь 2006.
- Праграма Гражданских Действий против Фашизма (2006), SOVA Центр, xeno.sovacenter.ru
- урсул, виталий (2008) «Скинхеды: Миф или Реальность в Современной России », Власть.

۳- منابع انگلیسی

- Benn, T. & Jawad, H. (2004), *Muslim Women in the United Kingdom and Beyond: Experiences and Images*.
- Egorova, Y. & Tudor, P. (2003), *Jews, Muslims, and Mass Media: Mediating the 'Other'*, London: Routledge Curzon.
- Fredman S. (2001), *Discrimination and Human Rights*, Oxford University Press.
- Hunter, Shireen. T (2003), *Islam in Russia, the politics of identity and security*, Armonk, NY: me. Sharpe.
- Johnson, M. R. D., Soydan, H; Williams, C. (1998), *Social Work and Minorities: European Perspectives*, London; New York: Routledge.
- LeGendre, Paul (2006) "*Minorities under Siege: Hate Crimes and Intolerance in the Russian Federation*". Human Rights First: 1-25.
- Malashenko, Alexey (2006)," Islam In Russia In 2020", in: Amel Boubekeur, Samir Amghar, Rob De Wijk & Alexey Malashenko, *Between Suicide Bombings and The Burning Banlieues, The Multiple Crises of Europe's parallel Societies*, European Security Forum: A Joint Initiative of CEPS, IISS & DCAF, ESF working paper no. 22, June 2006.
- Maryniak, Irena (1999), "After the fall: Russia and the Religion, (In God we trust)".
- Miles, R. & Brown, M. (2003), *Racism*, London; New York: Routledge.
- Sotnichenko Alexander (2009),"islam – Russian orthodox church relation and the state in the post-communist Russia", *politics and religion*, N 2/2009 Vol. 3.

۴- منابع الکترونیکی

- اهانت به قبور مسلمانان در روسیه، بازیابی ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۰ از <http://www.taghribnews.com/vdciy5aw.t1aup2bcct.html>
- اهانت به مسلمانان در روسیه، بازیابی ۸ مرداد ۱۳۹۰ از <http://www.taghribnews.com/vdciquaw.t1avu2bcct.html>

- توهین به مسلمانان در راهپیمایی ملی‌گرایان روس، بازیابی ۲۲ آبان ۱۳۹۰ از
<http://www.islamtimes.org/vdcdxs0foyt0fk6.2a2y.html>
- روسیه بخش جدایی‌ناپذیر جهان اسلام است (۱۳۸۹)، بازیابی ۶ تیر ۱۳۸۹ از
<http://khabaronline.ir/news-71305.aspx>
- شریفی، زهرا (۱۳۸۹)، تروریسم و مسلمانان در روسیه، بازیابی آذر ۱۳۸۹ از
<http://iras.ir/prtexx8z.jh8eei9bbj.html>
- محبیان، امیر (۱۳۸۹)، اسلام، اسلام‌ستیزی و مدیریت ادراک، <http://www.irdc.ir>
- Charny, Semyon (2005), "Racism, Xenophobia, Ethnic Discrimination and Anti-Semitism in Russia", Moscow Bureau for Human Rights, www.internal-displacement.org
- Gudkov, Lev and Dubin, Boris (2006) "Privatizatsii Politsii", Levada Analytical Center, www.publicverdict.org
- McLennan, Keith (2005) "Racism in Russia", <http://www.betteredit.com>
- Nadezhdina, Sasha (2007), Racist Attacks Threaten Multiculturalism in Russia, ABCnews, www.abcnews.go.com
- Zaitchik, Alexander and Ames, Mark (2007) "Skinhead Violence Rising in Russia", The Nation, www.thenation.com
- Prazauskas, Algis, "Russia and Islam," <http://www.sipa.columbia.edu/ece/research/intermarium/vol8no3/russia-and-islam.pdf> (accessed 29 Jan. 2008).
- Бокова Н. (2010), Существует ли исламофобия в России?, www.islamonline.ru

Islamophobia in Russia: Sociological Explanation of Roots and Challenges

Behzad Moridi ^{1*}
Mohammad Sajjad Karami ²

Received on: 10/15/2013
Accepted on: 01/09/2014

Abstract

The main objective of the present paper is to study the trend of emergence and influence of Islamophobia in today's Russia. The effective factor that distinguishes Russia from other Western countries in encountering the Muslims are distinct historical features and extreme nationalism (chauvinism). The chauvinism are concerned about the growth of Muslim population in Russia. Although this factor exists more or less in other Western countries, it is more extensive in Russia and evidently on the side of other factors, phobia of Islam and Muslims is more serious in viewpoint of the Slavs. Also according to some studies, the projection of Islam as religion of violence and terror by Western media has added to the pessimism of Russian people about Muslims. A review of recent developments in Russia indicates that on the basis of its historical experience, Russian government tries to improve its relations with this great religious minority. At the same time the suicide and terrorist attacks by extremist Muslims in Russia plays an important role in the development of Islamophobia among non-Muslims in Russia. Attempts have been made in the present paper to study condition of Muslims in Russia. This study is a descriptive-analytical research to analyze the roots and different aspects of Islamophobia in Russia.

Keywords: Islamophobia, Russian Muslims, Islamic fundamentalism.

1* . Assistant Professor, Department of Linguistics and Foreign Languages, Payam Nour University.
(Corresponding Author: behzadmoridi@yahoo.com)

2 . M.A. Student, the University of Tehran.